

## طراحان گرافیک چگونه می اندیشند



به مناسبت هفته گرافیک، با هماهنگی گروه هنر و پشتیبانی واحد فناوری اطلاعات دانشکده، وبیناری تحت عنوان: "طراحان گرافیک چگونه می اندیشند" برگزار شد. در این وبینار استاد محترم جناب آقای مصطفی خزایی و جناب آقای سهیل صالح و بیش از هفتاد نفر از دانشجویان علاقمند حضور داشتند. در ابتدا، بیوگرافی خلاصه ای از زندگی و فعالیت های استاد خاکی توسط جناب آقای صالح بیان شد. استاد خاکی در سال ۱۳۳۹ در شهرستان سقز به دنیا آمدند. بعد از فارغ التحصیلی از دانشگاه، به فعالیت های علمی و پژوهشی پرداختند. ایشان در سال ۱۳۹۸ استاد نمونه دانشکده شریعتی بودند. از جمله فعالیت های ایشان ترجمه سه کتاب در زمینه گرافیک با عنوان "کاربرد رنگ و حروف، گرافیک حرفه ای و مرجع ایده های بصری" و نیز همکاری در ترجمه کتابی با عنوان فری هند ۶: طراحی بسته بندی، طراحی روی جلد کتاب و مجله از دیگر فعالیت های استاد است. این برنامه به صورت پرسش و پاسخ از استاد برگزار شد که توسط جناب آقای صالح مطرح شد.

**تعریف هنر در دوران حاضر:** از زمان افلاطون تعریف هنر وجود داشته. او معتقد بوده که هنر به سودمندی کار تأکید دارد. تولستوی هنر را احساس معرفی کرد و کلادین گفت: هنر، فرم معنا دار هست. تعریف از هنر در طول تاریخ تغییر کرده، دلیل آن هم این است که به حدی با زندگی ما آمیخته هست که دو رویکرد پیش می آید، هنر فراتر از زندگی و زندگی فراتر از هنر است. امروزه بیشتر باید به طراحی اکتفا کرد. این که اصولاً طراحی چه هست؟ به همین علت می گوییم: طراحی گرافیک، طراحی معماری، طراحی صنعتی. چون طراحی یک نوع خود بسندگی دارد که در بقیه نیست و یک وجود متمایز از هر چیزی هست. من هنر را اینطور تعریف می کنم: تغییر در وضعیت موجود.

**چرا طراحی اینقدر مهم است؟** چون طراحی مبتنی بر تغییر است. در طراحی علاوه بر شی، تأکید روی فرم هست. اما چون تعاریف هنر مرتب تغییر کرده نمی توانیم دقیقاً بگوییم که هنر این است. تعریف هنر، پایه پای تغییرات جامعه تغییر کرده اما طراحی مدام به دنبال تکمیل خودش هست.

سؤال: آیا گرافیک هنر هست هنر صنعت و یا اصلاً صنعت هست؟ صنعت متکی به دو چیز است: مهارت و امکانات. زمانی که یک کار گرافیکی انجام می دهید به طور کلی یک کارکرد و یک عمل و یک سودمندی دارد. بنابراین هر چه که به سمت سودمندی برود، طبق تعریف صنعت محسوب می شود. وقتی روی یک بسته بندی کار می کنید، در چاپخانه و در قسمت تیغ و چسب و... از طریق ماشین آلات به طور کلی به تولید می رسد.

کار گرافیک بیشتر مبتنی بر استفاده و کارکرد است و سودمندی در آن هست در کنار صنعت قرار می گیرد اما در عین حال از اصول زیبایی‌شناسی هم استفاده می کند.

**در دوران پست مدرنیسم، گرافیک چه وضعیتی دارد؟** در یک دوره روی فرم بیشتر کار می شد. مدرنیسم خودش را از محتوی و معنا دور کرد و بیشتر به سمت فرم آمد و تقریباً نوعی فردگرایی در مدرنیسم بود و بیشتر ذهنی بود و بیشتر نگاهش یک نگاه درونی بود. از سال ۱۹۶۰ کارها از محتوی و معنا دور شد. در این دوره ارزش کار از بین رفت. یک اصطلاحی بین گرافیکست ها هست به نام کپی پیست. دلیل آن هم زیاد بودن متون و تصویر هست. دوره پست مدرن را در حد جعلیات می بینیم و پیچیده و مبهم است و از اصالت اصلی دور می شوند و به طور کلی نمی‌توان از هنر به طور قاطع دفاع کرد. کار اصیل مثل کار بهزاد یا کار رضا عباسی.

**شما چطور کار می کنید؟** طراح گرافیک باید داستان پرداز باشد. ما یک مترجم بصری هستیم. هرکارکه به من ارجاع می شود، شروع می کنم به مطالعه در مورد آن. اینجا هست که متوجه می شوید یک سری رنگ ها قراردادی هستند. مثل پیف پاف یا فیش‌های مخابراتی و... بنابراین به یک مطالعه نظری نیاز داریم. این دو حسن دارد: اولاً شما به رنگهای قراردادی اشراف پیدا می کنید و دوم اینکه یک اختلاف و یک وجه تمایز داشته باشید. من خودم یک آدم سورئالیست هستم یعنی در عین اینکه واقعیت را می بینم، اما دوست دارم واقعیت را تغییر بدم. در کارهایم بخصوص در طراحی هایم مثلاً صورت دختر را با صدف ترکیب می کنم. برای پوستر "کابوس دلک" رفته سر صحنه و از آنها خواستم از بازیگر نقش اول، یک نمونه ماسک دلک درست کرده و به من بدهند و بعد متن نمایشنامه را خواندم و همینطور کتاب "عقاید یک دلک" را و فهمیدم که یک دلک در عین اینکه ما را می خداند اما در عین حال یواش یواش خودش آب می شود.



**سفارش دهنده تا چه حد در نظراتش دخیل هست و تا چه اندازه می تواند در کار شما دخل و تصرف داشته باشد؟**

در اکثر کارها، به دلیل تجربه ای که دارم، کار را قبول دارند و دخالت نمی کنند. به همین ترتیب برای: چند شهر ایران و اربیل عراق، سوئد، ترکیه، چین و... کار کردم. در عین اینکه نظر آنها را جویا می شوم ولی نظر خودم را هم بیان می‌کنم و در اغلب موارد نظر پیشنهادی من کار پرمخاطب تری را به دنبال داشته.

**قشر جوان چطور کار کنند؟** مشتری سرمایه گذاری می کند، و باید مطمئن باشد که این کار درجهت سوددهی پیش می رود و باید سعی کنی که مشتری دچار ضرر نشود.

ما دو نوع مهارت داریم: مهارت تعیین شده و مهارت خطر کردن. ما باید ضمن اینکه مهارت تعیین شده را کار می کنیم، مهارت خطر کردن را هم انجام دهیم. انتقادها و تعاریف هردو باید سکوی پرتاب شما باشد. در خاتمه ضمن آرزوی سلامتی برای استاد، تقدیر و تشکر به عمل آمد.